

آسیاب به‌نوبت^(۲)



با سلام مجدد خدمت همه کارگران عزیز و عرض خسته نباشید. ما این‌بار با فاصله کمتری کارگر پیشتاز را انتشار دادیم که بحث قبلی خود را تا فراموش نشده پی‌گیریم، به‌عوا معروف تا تنور داغ است نان را بچسبانیم.

ما در شماره قبل درباره نارضایتی کارگران فعال و پیشتاز درباره عدم شرکت فعال اکثریت کارگران در اعتراضات حرف زدیم و دو پاسخ رایج به‌آن را نیز مطرح کردیم

اول: از این کارگران آبی گرم نمی‌شود بگذارید خودمان اسلحه به‌دست بگیریم و قال قضیه را بکنیم و از شر دولت که ام‌الفساد است راحت شویم.

دوم: حد فهم و درک کارگران همین است که می‌بینیم. آنان خواهان حل مشکلات صنفی خود هستند. در نتیجه ما به‌عنوان کارگر پیشتاز باید در کنار آنان در همه حرکت‌ها شرکت کنیم و همراه آنان به مجلس و غیره شکایت بنویسیم و از مقامات بخواهیم که به داد ما برسند.

هر دو این راحل‌ها هم در عمل نادرستی خود را ثابت کردند. در اولی تعداد زیادی از جوانان شریف جان خود را از دست دادند اما ثمری نداد و در دومی هم سال‌هاست این روش استفاده می‌شود اما آن‌هم راه به‌جایی نبرد و باعث شد بسیاری از کارگران مبارز و شریف در معرض خطر قرار گیرند و یا روانه زندان‌ها شوند. حال می‌پردازیم به راحل سوم که ما نیز به همان راحل اعتقاد داریم

این راحل می‌گوید، درست است کارگران درحال حاضر آمادگی تغییر ندارند، این را ما هم می‌دانیم و می‌پذیریم، اما چه‌گونه می‌شود به این آگاهی رسید؟

دسته اول که به‌طورمجموع با طبقه کارگر قهر می‌کند: این‌ها آماده نیستند، ماجرا را نمی‌فهمند. ما نخبگان هستیم که می‌فهمیم و متعجبیم که چرا بقیه مانند ما فکر نمی‌کنند، تا ابد هم که نمی‌شود منتظر ماند پس برویم و خودمان کار را تمام کنیم.

گروه دوم هم که نمی‌خواهند قند در دل کسی آب بشود و ترجیح می‌دهند سلانه‌سلانه به‌دنبال جنبش خودبه‌خودی کارگران حرکت کنند به‌امید این‌که سرانجام روزی فرا خواهد رسید. حالا کی؟ و چه‌طور؟ بماند.

ما می‌گوئیم کارگران پیشتاز باید همیشه در کنار بقیه کارگران باشند. باید در همه مبارزات صنفی و دموکراتیک فعالانه شرکت کنند، نه تنها شرکت، بلکه در صف اول این مبارزات باشند. درست است که آگاهی فعلی کارگران در حد افزایش حقوق است، اما ما که نمی‌خواهیم در همان سطح توقف کنیم. آن‌چه کارگران نیاز به‌درک آن دارند این است که اضافه حقوق بر مبنای رقم نتیجه معکوس به‌بار می‌آورد و تورم را افزایش می‌دهد، و این‌که اصولاً، تا زمانی که در بر این پاشنه می‌چرخد این دولت که سهل است دولت سوئد و آمریکا هم نمی‌توانند تورم را مهار کنند. اگر می‌توانستند که می‌کردند و دنیا مثل امروز نبود. در چنین وضعیتی ما می‌گوئیم جناب دولت، جناب کارفرما می‌خواهید حقوق را اضافه کنید ممنون از توجه شما، اما بگذارید ابتدا نمایندگان انتخابی ما، ونه انتسابی شما، درصد واقعی تورم را تعیین کنند و سپس شما حقوق‌ها را بر اساس این درصد اضافه کنید. خوش‌خیال هم نیستیم

که گمان کنیم آن‌ها می‌پذیرند، مطمئنا محترمانه خواهند گفت لطفا خفه شوید و در کاری که مربوط به‌شما نیست دخالت اضافی نکنید. این‌جا ظاهرا آنان برنده شده‌اند و ما بازنده هستیم، اما در واقعیت ماجرا طور دیگری است. بسیاری از همین کارگرانی که امروز فکر می‌کنند دولت می‌تواند مشکلات ما را حل کند پس از این جواب به‌فکر می‌افتند و از خودشان می‌پرسند: چرا دولت این فرمول را قبول نمی‌کند این‌که کاملا متین و منطقی است. ما در زندگی هرروزه خودمان آن‌را تجربه کردیم. دادوآل هم که راه نیانداختیم، چه دلیلی دارد که دولت به این درخواست تن نمی‌دهد؛ و به این ترتیب آگاهی جدیدی به گنجینه دانش این کارگر دربارۀ ماهیت دولت و نقش آن در حمایت از صاحب‌کارها اضافه شده و او یک‌قدم پیش‌تر رفته. حالا این روش را مقایسه کنید با روش دومی‌ها یعنی روش سندیکالیست‌ها. هر سال بنشینیم و چانه بزنیم سر 5 میلیون یا ده میلیون و در خانه بالایش سر 7 میلیون و نیم به‌توافق برسیم و پاشنه گیوه‌هایمان را بکشیم بالا برای سال دیگر که قرار است چانه‌زدن روی 10 میلیون و 15 میلیون باشد. کارگران چه پیشرفتی کرده‌اند و چه مقدار آگاهی آنان در مورد ماهیت مطلب دستمزدها و نقش صاحب‌کارها و دولت اضافه شده. در بهترین شکلش آن‌ها شده‌اند آدم‌های ماهری که در فن چانه‌زدن استاد هستند.

به‌این ترتیب ما هم از آگاهی فعلی کارگران حرکت کردیم ولی در حد آن متوقف نشدیم و گفتیم ببینید راه دیگری هم هست اما این سیستم نه می‌تواند و نه می‌خواهد از آن استفاده کند. البته این راه طولانی و طاقت‌فرساست و حوصله و کار می‌برد، اما چاره دیگری نیست. اگر بپذیریم که تغییر تنها با شرکت اکثریت کارگران و زحمتکشان ممکن خواهد بود، چاره‌ای جز این نداریم. به‌نظر ما کارگران آگاه و پیشتاز باید تمام نیروی خود را روی همین شیوه متمرکز کنند.

ما باید آگاهی کارگران را با استفاده از چنین شعارهایی کم‌کم افزایش دهیم، اما در عین حال، دستگیر هم نشویم، کشته هم نشویم و این شیوه کار را از گروهی به‌گروهی دیگر منتقل کنیم. مطمئنا حکومت اجازه چنین کاری را نمی‌دهد. ما انتظاری بیش‌از این هم نداریم. این‌ها حتی اعتراضات نیم‌بند و قانونی ما را با زور اسلحه و باتون سرکوب می‌کنند. بشمارید که چند نفر از کارگران و فعالان علنی کارگری همین امروز در زندان‌ها هستند. در نتیجه شیوه کار ما هم باید عوض شود. دیگر نمی‌شود علنی‌کاری کرد؛ پس باید محافل مخفی خودمان را ایجاد کنیم. البته این محافل مخفی با گروه‌های چریکی و خانه‌های تیمی اشتباه نشود. محافل مخفی یعنی چند کارگر که همدیگر را می‌شناسند، به‌هم اعتماد دارند، در کارخانه باهم کار می‌کنند و مورد اعتماد و احترام همکاران خودشان هستند و در تمام حرکت‌های صنفی هم شرکت می‌کنند، اما تصمیم‌هایشان در درون این محفل مخفی گرفته می‌شود. امروز این شعار را مطرح می‌کنیم، به‌نامۀ این بند را اضافه می‌کنیم و قس‌علیهذا. این محافل نشریه منتشر می‌کنند و از طریق این نشریات، نه به‌طور مستقیم، با هم تماس می‌گیرند و اعتراضات و اعتراضات را در سطح قسمت‌های مختلف کارخانه و وقتی بیش‌تر شدند، در سطح منطقه با همدیگر هماهنگ می‌کنند.

همان‌طور که قبلا هم گفتیم، دستگیری رهبران علنی و یا کشف یکی‌دوتا هسته مخفی کارچندان مشکلی نیست اما اگر این هسته‌ها افزایش پیدا کنند و در هر گوشه‌وکناری تشکیل شوند دیگر به‌سادگی گذشته نمی‌شود آن‌ها را کشف کرد. شاید یک ماهیگیر بتواند یک یا دو ماهی را در یک آبگیر کوچک صیید کند اما صید همان دو ماهی در میان یک دریای بزرگی و در میان گله ماهی‌ها کار تقریبا غیرممکنی است. رژیم آن‌طور هم که وانمود می‌کند قدرتمند و قوی نیست. قدرت آن‌ها از افتراق و تنهایی ما نتیجه می‌شود. دوره شاه هم می‌گفتند از هر پنج‌نفر، دونفر ساواکی هستند اما وقتی که کارگران در شوراها آن‌زمان، که در ابتدا هم مخفی بود، خودشان را متشکل کردند حتی ارتش تا دندان مسلح شاه هم نتوانست دوام بیاورد.

حالا ممکن است بعضی‌ها اعتراض کنند که آمریکا نمی‌خواست و قال قضیه را با دارودسته جدیدی سرهم آورد. درست می‌گویند، آمریکا نمی‌خواست برای این‌که می‌دانست و تجربه داشت که اگر پافشاری کند، این کارگران و این شوراها به آگاهی‌های جدیدی دست پیدا می‌کنند و متوجه قدرت جمعی خودشان می‌شوند و آن‌وقت خربار و باقالی بارکن، در نتیجه تصمیم گرفت که فیل را بدهد تا وزیر را حفظ کند. از طرف دیگر، ما کارگران هم آگاهی نداشتیم که سگ زرد برادر شغال است. اما آیا فکر می‌کنید زمان آن نرسیده که باید به‌این آگاهی دست پیدا کنیم تا دوباره سرمان کلاه نرود.

امروز کارگران پیشتاز باید به‌جای ناامید شدن و متهم کردن یک‌دیگر به ترس و کم‌کاری ریشه‌های واقعی این ترس و کم‌کاری را شناسایی کنند و به درمان آن بپردازند. باید سلسله مطالباتی را پیدا کرد که قدم‌به‌قدم آگاهی کارگران را افزایش می‌دهد، تا جایی که کارگران به‌طور عمومی به‌این نتیجه برسند که در واقع، این کل نظام، از ذیل تا صدر است که خراب شده و با بزک کردن بهتر نخواهد شد. ما بخش‌هایی از این برنامه اقدام کارگری را در همین‌جا و در شماره‌های بعدی همچنان که قول داده بودیم مطرح خواهیم کرد.

اگر ما واقعا خواهان بهبود وضعیت خودمان و شرایط زن‌وچه‌امان هستیم باید افسار کار را خودمان به‌دست بگیریم. نه قهرمانی می‌تواند زندگی ما را بهتر کند، نه یک شاه جدید و نه حتی خود امام زمان. ما خودمان قهرمان، رهبر و امام زمان سرنوشت خودمان هستیم

پیروز باشید

- پیش به‌سوی ساختن هسته‌های مخفی کارگران پیشتاز سوسیالیست!
- پیش به‌سوی اتحاد کارگران پیشتاز بر محور یک برنامه اقدام کارگری!
- پیش به‌سوی اتحاد عمل سراسری کارگران و تشکیل ستاد رهبری کارگری!
- پیش به‌سوی برقراری حکومت کارگری و جامعه آزاد سوسیالیستی!

بولتن کارگری هسته کارگران پیشتاز سوسیالیست (خوزستان)

<https://t.me/ahvazijava>